

مدیر کنترل تولید شرکت ملی صنایع پتروشیمی در گفت‌وگو با «شرق»:

اجازه ندادیم حوادث پتروشیمی، چرخه تولید را دچار خلل کند



برسانیم. همچنین سعی کردیم تولیدات این مجتمع‌ها را که وقفه‌ای در آن ایجاد شده بود، سریع جایگزین کنیم که جایگزینی از داخل بالای ۹۰ درصد بوده و اگر امکان جایگزینی خوراک از داخل وجود نداشته و باید از خارج جایگزین می‌شد، تلاش کردیم به‌سرعت جایگزین کنیم که بازار داخلی تحت‌الشعاع قرار نگیرد. **۴ به طور مشخص درباره پارازایلین بندر امام این جایگزینی به چه صورت انجام شد؟**

در رابطه با پتروشیمی بوعلی وقتی دیدیم که پارازایلین از سروس خارج شد، سریع درخواست کردیم که پتروشیمی نوری صادراتش را تقلیل بدهد و به منطقه ویژه بندر امام‌خمینی منتقل کند تا برای پتروشیمی تندگوین مورد استفاده قرار گیرد.

با قبلا خیلی از تقاضاهای بنزن از پتروشیمی بوعلی انجام می‌گرفت. ما به‌سرعت کشتی را بارگیری کردیم و از طریق عسلویه از پتروشیمی نوری به ماهشهر آوردیم با مقداری بنزن مازاد در حال صادرشدن به طرف پتروشیمی اصفهان بود که گفتیم صادراتش را بیشتر به داخل بدهد یا پارازایلین صادر می‌شد که گفتیم صادرات را تقلیل بدهند و در داخل مصرف کنند یا در رابطه با واحد LB که حادثه‌ای در آن پیش آمد، اولاً سریع گفتیم آن خوراک‌هایی که پارافین دارند

سعی کنند واحد LB که صدمه خاصی ندیده استفاده کند که چهار، پنج ساعت بیشتر طول نکشد، تولید کرد و شیمیایی LB اصفهان هم که تقریباً مازاد تولیدش را صادر می‌کرد سعی کردیم طوری کنترل کنیم که در بازار داخلی عرضه بیشتر شود یا در رابطه با پتروشیمی بندر امام سریع هماهنگ کردیم که خوراک آن محصول را بدهند که به جای PVC، EDC داده شود که مشکل نداشته باشیم یا خط اتیلن غرب که مشکل پیدا کرد، احتمال دادیم که پلیمرها یک مقدار

تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد چون آنها تولید نمی‌کنند، سریع از مجتمع‌های منطقه ماهشهر و عسلویه آن را تأمین کردیم که در بازار داخلی است بعد صادرات برنامه‌ریزی و سعی شد طوری کنترل شود که در هیچ‌کدام خللی ایجاد نشود. خوشبختانه در وقایع دو ماه گذشته درباره پتروشیمی، ما در بازار داخلی در کمیت مشکل نداشته‌ایم و آن را تأمین کردیم، اما ممکن است در قیمت، مقداری قیمت‌ها با نوسان جهانی دلار بالا رفته یا پایین آمده باشد که تغییراتمان

بیشتر در این سمت بوده است. **۴ می‌توانیم بگوییم در چرخه خوراک هیچ مشکلی ایجاد نشده؟ یعنی آیا توانسته‌ایم آن را تأمین کنیم؟**

بله، تقریباً در مجموعه مجتمع‌های داخلی پتروشیمی توانسته‌ایم خوراک موردنیاز را به‌طور کامل تأمین کنیم که چرخه تولید تحت‌الشعاع قرار نگیرد. **۴ در آینده چطور؟ فکر نمی‌کنید کمبودی داشته باشیم؟**

بستگی به تولید دارد؛ یعنی اگر یک وقت خدای‌نکرده در یک واحد پتروشیمی باز هم مشکل پیش بیاید چون ممکن است تنها تولیدکننده یک محصول باشد باید از خارج به‌سرعت آن محصول یا خوراک را وارد کنیم که در بازار داخلی مشکل ایجاد نشود. سعی کرده‌ایم تولیدات

استراتژیک را تا جایی که امکان داشته باشد در هر مجتمعی به‌خوبی تعریف کنیم و با پشتوانه‌ای که از نظر عرضه و نرخ تبدالی و قیمتی در بورس وجود دارد، با هماهنگی بورس سعی کرده‌ایم اگر محصولی وارد می‌شود با توجه به هزینه‌ای که برای واردات انجام می‌شود، قیمت بورس هم طوری مشخص شود که منضر نشود.

۴ کمی به عقب برگردیم، علت کلی بروز حوادث در پتروشیمی را چه چیزی می‌دانید؟

حوادث جنبه‌های مختلف فنی، امنیتی، سایبری و ... دارند که هر یک از این جنبه‌ها از سوی بخش‌های مسئول در حال بررسی است، اما من اعتقاد دارم اگر استانداردها و دستورالعمل‌های اچ‌اس‌ای رعایت می‌شد، این حوادث رخ نمی‌داد. اجرای صحیح دستورالعمل‌های اچ‌اس‌ای و رعایت استانداردهای لازم در زمینه ایمنی و اچ‌اس‌ای از سوی مجتمع‌های مختلف درخواست همیشگی ما بوده است، نکته دیگر اینکه طراحی برخی از مجتمع‌های پتروشیمی مربوط به گذشته است که باید به‌روز شود. با توجه به فضای مناسب ایجادشده در دوره پساپر جام، از آن می‌توان به‌عنوان فرصتی مناسب برای بهره‌گیری از فناوری‌های روز دنیا در زمینه بهینه‌سازی، ایمنی و اچ‌اس‌ای در جهان استفاده کرد که با این اقدام افزون بر جلوگیری از حوادث، راندمان تولید و کیفیت محصولات افزایش می‌یابد. باید توجه داشته باشیم که هر حادثه‌ای در صنعت پتروشیمی درس و تجربه‌ای می‌شود برای جلوگیری از بروز حوادث بعدی. باید به مقوله‌های نیروی انسانی، انگیزه نیروی انسانی، بهبود فضای کسب‌وکار و شرایط محیطی بیشتر توجه شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، حوادث صنعت پتروشیمی در سال جاری بعد از ظهر تابستان رخ داده‌اند که گرمای هوا بسیار شدید بوده است. باید توجه داشت که با ارتقای راندمان، درصد زیادی از حجم حوادث پتروشیمی کاسته می‌شود. حادثه همه‌جا رخ می‌دهد، همان‌طور که بروز حادثه در پالایشگاه آمریکا را شاهد بودیم، اما باید سعی کنیم با پیشگیری، آموزش، ارتقای مهارت و استانداردها، از بروز حوادث جلوگیری کنیم.

۴ لطفاً بفرمایید بعد از حوادث و آتش‌سوزی‌های صنعت پتروشیمی برای اینکه تولید دچار چالش نشود، چه تدابیری اندیشیده شد و خوراک جایگزین به چه صورت تأمین شد؟

ما تلاش کردیم تا جایی که ممکن است علت حادثه مشخص شود تا راه‌اندازی مجدد را تقریباً با شناخت مناسبی انجام دهیم. سعی بر این بوده که زمان راه‌اندازی مجتمع‌ها را با امکانات و پشتیبانی مدیریتی که انجام می‌دهیم و با بهره‌گیری از امکانات و قطعاتی که نیاز دارد، حتی‌الامکان به حداقل

نگاهی به داستان قراردادهای نفتی در کشورمان



مجید سلیمی،بروجنی کارشناس اقتصادی

شاید در روزها و هفته‌هایی که محمدجواد ظریف آن چنان که باید خبرساز نبوده و سرگرم سفر به کشورهای آمریکای لاتین بوده، بتوان گفت که بیژن زنگنه، وزیر نفت بود که به‌واسطه طرح موضوع قراردادهای نفتی به صورت پرنک در تیتزر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها بوده است. حالا که در ماه‌های پایانی دولت تدبیر و امید قرار داریم، بسیاری معتقدند حسن روحانی کارش را روی همین دو وزیر متمرکز کرده، محمدجواد ظریف و بیژن نامدارزنگنه. روحانی دو سال نخست و پرتنش را با جواد ظریف پشت سر گذاشت تا با ابزار برجام راهی برای تعامل اقتصادی با جهانیان پیدا کند. او بنا را بر این گذاشته از دیپلماسی به اقتصاد برسد. اکنون که برجام با موفقیت به امضا رسیده و چندماه‌ی هم از وزیر مستعفی‌شده، این بیژن زنگنه است که قرار است جانشین ظریف شود و بار ایده‌های روحانی را در چند ماه باقی‌مانده از دولتش بر دوش بگیرد. به اعتقاد تحلیلگران، دیپلماسی جدید روحانی بر محور نفت پایه‌گذاری شده است. در سال ۱۳۹۲ تنها ۱۰ روز از امضای توافق موقت هسته‌ای ژنو گذشته بود که اجلاس صدوصصت‌وچهارم اوپک در وین برگزار شد. سه ماه بعد از استقرار دولت دکتر روحانی، قیمت نفت ۱۱۲ دلار بود که زنگنه پیش از شروع اجلاس وزرا به خبرنگاران گفت: «ایران تولید نفت خود را افزایش خواهد داد، حتی اگر قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه برسد». آن روزها تصور کاهش قیمت نفت خیلی سخت بود. زنگنه از پس‌گیری سهم بازار ایران ولو به قیمت نفت ۲۰دلاری به خبرنگاران گفت و تیتز مشترک رسانه‌ها در آن روز «زنگنه بر تن اوپک لیززه انداخت» بود و عزم ایران برای افزایش تولید و صادرات نفت با هر قیمتی یکی از برنامه‌های قابل دفاع در دوره سوم وزارت زنگنه تا این لحظه است. با تشدید تحریم‌های بین‌المللی، صادرات نفت ایران به ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسید. رقم صادرات ایران پیش از تحریم‌ها نزدیک به دو میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود. افزایش تولید از همه مایدان دستوری بود که با امضای اجرایی‌شدن برجام از

سوی مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران صادر شد. سال‌هاست که کارشناسان بر این عقیده‌اند مدل فعلی قراردادهای نفتی کشور پاسخ‌گوی نیاز صنعت نفت نیست. مدل خشک و لحن آمرانه قراردادهای موجود موجب شده ایران توان رقابت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی را از دست بدهد و شرکت‌های طراز اول نفتی جهان، عطای حضور در بازار ایران را به لقایش ببخشند. در این قراردادها نه چاره‌ای برای قهر پیمانکاران اندیشیده شده و نه در بازار به‌شدت رقابتی سرمایه‌گذاری نفت در جهان، انگیزه و رغبت چندانی برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بزرگ نفتی برای حضور در ایران پیش‌بینی شده است. بررسی الگوهای موجود در قراردادهای نفتی جهان نشان می‌دهد این قراردادها در سه شکل مالکیت انحصاری یا Concession، مشارکت در تولید یا Production Sharing AgreeMent و خرید خدمت یا Service Contract است. تا پیش از اینکه قراردادهای جدید معروف به IPC رونمایی شود، مدل قراردادهای نفتی ایران، «بمع متقابل» بود. قراردادهای بیع متقابل یا توجّه به محدودیت‌های محیطی و حقوقی کشور تنظیم شده است. این نوع قرارداده‌ها تقریباً از نظر تئوری اکثر نگرانی‌های طرف ایرانی را برطرف می‌کند. مالکیت و حاکمیت به غیر منتقل نمی‌شود، دولت ایران هیچ‌گونه تعهدی برای بازپرداخت هزینه‌های انجام‌شده در شرکت پیمانکار ندارد. پیمانکار هیچ حقی از تأسیسات ندارد. اما به این مدل قراردادها حتی در همان زمانی که برای اولین‌بار معرفی شد هم انتقادهایی وارد بود؛ سوای انتقادهای داخلی به این مدل قراردادها، عمده مشکل در جذاب‌نبودن این قراردادها برای خارجی‌ها بود. در سال‌های گذشته با افزایش پی‌درپی قیمت نفت و تحقق قیمت‌های افسانه‌ای صادراتی و بیشتر برای هر بشکه نفت، سرمایه‌گذاری در میدان‌های سخت هم برای شرکت‌های نفتی سودآور شد؛ در نتیجه جذابیت قراردادهای نفت ایرانی باز هم پایین‌تر آمد. پیش از آنکه قراردادهای جدید نفتی به اجرا نزدیک شوند، برخی از نمایندگان مجلس دور قبل نیز انتقادات تندی را متوجه این قراردادها کردند. با نهایی‌شدن مدل جدید قراردادی بود که موضوع ارائه‌نکردن نسخه‌ای از قراردادها به مجلس از سوی طیف منتقد دولت برجسته شد که علی‌الریجانی جواب آنها را داد. آنچه واضح است

اینکه سه سال از طرح مسئله معرفی قراردادهای جدید نفتی می‌گذرد و هنوز از پس مخالفت‌های فرسایشی، شرایط برگزاری مناقصات بین‌المللی فراهم نشده است. کارشناسان بر این عقیده‌اند که تداوم این روند فرسایشی می‌تواند مایدان نفتی و گازی ایران، به‌خصوص در حوزه‌های مشترک را با بحران عقب‌ماندگی ایران روبه‌رو کند. اصل ۷۷ قانون اساسی می‌گوید عهدنامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. حال آنکه تاکنون در جمهوری اسلامی قراردادهای نفتی هیچ‌گاه به تصویب مجلس نرسیده و تصویب هیأت تطبیق برای اجرایی‌شدن قراردادها کافی بوده است. درواقع در ۳۰ سال گذشته چندین‌بار تغییر اصل ۷۷ از شورای نگهبان اعلام شده و هر بار شورای نگهبان رای به عدم نیاز تصویب قراردادها در صحن علنی مجلس داده است. متأسفانه منتقدان به دلیل منافع حداقلی کوتاه‌مدت، منافع بلندمدت را فراموش کرده‌اند و با ایجاد یک فضای متشنج، سبب هراس شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران شده‌اند. شرکت‌های خارجی در مذاکرات عنوان می‌کنند بوروکراسی وسیعی داخل ایران وجود دارد. درحالی‌که در دیگر کشورها، طرف مذاکره مشخص است. اگر حتی سراغ سرمایه‌گذاری‌های جدید نرویم، برای جلوگیری از افت سالانه به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز داریم. اکنون عربستان، قطر و عراق حدود ۲۸ میلیارد دلار در سال فقط از مایدان مشترک برداشت می‌کنند که به تعبیری از جیب ایران برداشته می‌شود. کمتر از ۹ ماه به انتخابات ریاست‌جمهوری باقی مانده است و حملات منتقدان علیه دولت هر روز ادامه می‌یابد. در چندماهه اخیر وزارت نفت و بیژن زنگنه در سیل حملات مخالفان قرار داشته‌اند. ادعای منتقدان هم این است که این تیپ قراردادها منافع ملی را به خطر می‌اندازد. هر روز تأخیر در اجرای این قراردادها و ورود سرمایه‌گذاران خارجی به مایدان مشترک نفت و گازمان، میلیاردها دلار از جیب ما درآورده و به جیب همسایگان‌مان سرازیر خواهد کرد. بدون تردید نتیجه این کار نیز چیزی به جز حسرت برای ما به همراه نخواهد داشت. ای کاش مخالفان و منتقدان کمی با انصاف بیشتر، منافع بلندمدت کشور را ترجیح می‌دادند...

ای کاش...

رد پای بنجل‌های چینی در پتروشیمی

بالتر به قیمت جان انسان‌ها و سرمایه‌های ملی کشور نه در بلندمدت که در آینده‌ای نزدیک به چشم همه از جمله همین رؤسای غیرمسئول نیز خواهد رفت.

خطای انسانی باپایه‌های ساینرعلل

نمی‌توان به‌طور قطع و یقین خطای انسانی را دارای بیشترین سهم در وقوع حوادث صنعت نفت دانست چراکه خطای انسانی خود معلول علت‌های زیاد و ریشه‌ای خارج از اراده انسانی و در مسئولیت نهادهای مسئول است؛ عللی چون ضعف آموزش و ضعف اعمال روش‌های به‌وجودآورنده حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد و نیز بالا بردن سطح دقت و تمرکز نیروی انسانی با ایجاد امنیت شغلی و روانی در محل کار و رسیدگی درست و بیجا به مشکلات موجود در زندگی شخصی و اجتماعی فعالان در این عرصه حساس. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد در بیشتر موارد فرد خاطی خود قربانی رده اول و قطعی حادثه است و این امر که هیچ‌کس خواسته و دانسته در پی ازبین‌بردن جان و سلامت خود نیست، امری است بدیهی.

پدری فرسوده

صنعت نفت به منزله پدری است که فرسوده شده اما با وجود شرایط کنونی حاکم بر مقوله انرژی و نقش حیاتی و کلیدی که در اقتصاد و سیاست و باقی مقولات مهم اجتماعی ایفا می‌کند و نبود هیچ رقیب جایگزینی در عرصه انرژی دست‌کم تا امروز، قرار نیست به این زودی‌ها به باززنگستی برسد؛ حتی با وجود اینکه به دلیل تمام علل ذکرشده سختی کار نیز شامل حالش می‌شود اما این هم نمی‌تواند موجب عتاب بقا و ایست یا کاهش فعالیتش را فراهم کند بنابراین لازم است در جهت بهینه‌سازی عملکرد و حفظ اعضا و جوارح گران‌قدرش از هجوم حوادث، آستین همت را بالا زده و در راه ارتقا، بهسازی، اصلاح و تأمین هرچه‌بیشتر آن از هر راه ممکن و میسر بکوشیم و اگر مدعی متمدن‌بودن و جهانی‌شدن هستیم، تنها به شعارهای پرزرق‌وبرق قناعت نکرده و در عمل ادعای خود را پیش چشم جهان و جهانیان به اثبات برسانیم. برای مثال بهترین و نخبه‌ترین متخصصان و مهندسان نفت و پتروشیمی و حتی ساده‌ترین کارگران صنعت نفتمان را هم سوار فرسوده‌ترین باکگردهای در همه جهان جز ایران از رده‌خارج، نکنیم و پس از وقوع حوادثی که خود گواه همه چیز است، تقصیر را بر گردن باد و توفان و موج دریا نیندازیم.

مشترک نفت و گاز هستند. عراقی‌ها در تولید نفت از ایران پیش افتاده‌اند و در برداشت گاز از میدان مشترک، اگرچه تا ابتدای سال آینده با قطر برابر می‌شویم، اما از لحاظ تجمیعی، قطری‌ها دونویم برابر ما گاز برداشت کرده‌اند که به معنای از دست‌دادن ذخایر یک منبع مشترک برای ماست. حال بگذریم از مایدان مشترک دیگری همچون فرزاد یا لایه نفتی پارس جنوبی و...

که هنوز توسعه آن را آغاز نکرده‌ایم. اگر این دو نکته را در نظر بگیریم، از منظر وسیع‌تر به الگوی جدید قراردادهای نفتی می‌نگریم و شاید با نگاهی به زمینه تدوین این الگو، منطقی‌تر درباره آن قضاوت کنیم. فراموش نکنیم که برای از دست‌ندادن فرصت‌ها، لازم است هرچه‌سریع‌تر، الگوی جدید را اجرایی کنیم تا بیش از این حسرت از دست‌رفتن فرصت‌ها را نخوریم. همین حالا هم اگر اقدام کنیم، دیر است...! پس بیش از این فرصت را از دست ندهیم.

عقب‌ماندگی‌های بیشتری شویم، بلکه در ارتقای ضربت بازنیافت از مایدان کنونی هم دچار عقبگرد شویم. هرچند در دوران تحریم هم فعالیت‌ها در حوزه‌های نفتی و گازی کشورمان دچار سکون نشد، اما تحریم، به دلیل موانعی که در تأمین تجهیزات و سرمایه موردنیاز برای کشور ایجاد کرد، سرعت پیشبرد پروژه‌ها را به‌شدت کاهش داد و موجب شد پروژه‌هایی که با خوش‌بینی مفرط، نام ۳۵ ماهه بر آن گذاشته بودند و براساس تجربیات سال‌های قبل از دولت نهم، باید ۵۲ ماهه به بهره‌برداری می‌رسید، هنوز به انتها نرسیده باشند و برای پروژه‌هایی که قبل از آن آغاز شده بود هم یک دهه زمان صرف شده باشد. در کنار شرایطی که در حوزه‌های مشترک است که موجب شده نه‌تنها در برداشت از مایدان مشترک دچار

ایران دچار تردیدهایی کرده که صرفاً با جذاب‌ترکردن قراردادهای می‌توان آنها را به بازگشت به ایران ترغیب کرد. اگر این منظر کلی را به ذهن بسپاریم که وزارت نفت و تدوین‌کنندگان الگوی جدید قراردادها، علاوه بر حفظ منافع ملی کشور، باید زمینه جذاب‌ترکردن قراردادهای به‌منظور ترغیب شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی برای آمدن به ایران را فراهم می‌کردند، با چشم‌انداز وسیع‌تری به این الگوی جدید قراردادی نگاه می‌کردیم.

اما نکته دوم، عقب‌ماندگی گسترده کشورمان در حوزه‌های فناوری و سرمایه‌گذاری در مایدان نفت و گاز به‌ویژه در حوزه‌های مشترک است که موجب شده نه‌تنها در برداشت از مایدان مشترک دچار

قراردادهای نفتی و ۲ نکته‌ای که نباید فراموش کرد

بیشتری دارد استفاده کرد. به همین دلیل لازم است با ادای احترام به قوانین جاری کشور، قراردادهایی تدوین کرد که منافع ملی کشور را تأمین کند اما از آن سو، برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی هم حاوی جذابیت و ترغیب‌کننده باشد. درحالی‌که برخی محدودیت‌هایی که قوانین داخلی کشورمان در تدوین الگوی این قراردادهای جدید ایجاد می‌کند -که البته تبعیت از آن بر ما واجب است- موجب کاهش جذابیت قراردادهای می‌شود و سرمایه‌گذاران را به سایر مایدان نفتی و گازی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری دیگری که به‌ویژه در کشورهای منطقه با ریسک پایین وجود دارد، سوق می‌دهد. از سوی دیگر حدود یک دهه تحریم در کشورمان، سرمایه‌گذاران خارجی را برای بازگشت به